



تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۲	تاریخ	۱۴۰۰/۰۷/۰۱
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان ۲	عدل سیاسی			
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت			
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان			
عنوان ۷	بخش اول: اصل تملک بانوان			

مرور درس گذشته

دربحث قبل گفتیم که درباره حق تملک در چند مطلب بحث می کنیم؛ بحث اول این بود که هر انسانی حق دارد نتیجه کار خود را مالک شود؛ با تفصیلاتی که در فقه نظام اقتصادی تبیین شده است. بحث دوم، بحث ثبات مالکیت است؛ یعنی اگر کسی مالک چیزی شد، بدون عروض سبب نقل و نقضی، مالکیت او ادامه خواهد داشت؛ مگر آنکه یکی از اسباب انتقال مالکیت یا بطلان مالکیت به وجود آید. و بحث دیگری که وجود داشت، بحث تأمین امنیت سرمایه است که تحت همان حق اول که امنیت بود، قرار خواهد گرفت.

بحث سوم: حق تملک بانوان

بحث سوم در چهارچوب حق مالکیت، در رابطه با حق تملک بانوان است؛ که آیا زن در جامعه اسلامی حق تملک درد یا ندارد؟ این مسأله را ما در سه بخش بیان می کنیم:

بخش اول: اصل حق تملک بانوان

اصل اینکه زن، حق تملک دارد، یکی از مسلمات فقه اسلامی است؛ بر خلاف قوانین رایج جهان، مخصوصاً در گذشته که برای زنان حق تملک قائل نبودند، اسلام از آغاز برای بانوان نیز حق تملک قائل شده است^۱؛ آیات کریمه قرآنی که بر تأکید حق تملک مال توسط زنان دارد متعدد است که با به عنوان نمونه به چند دسته از آیات اشاره می‌کنیم:

دسته اول: آیات مربوط به کسب نساء است؛ اگر زنان کسبی انجام دادند و تلاشی کردند، محصول کار خود را مالک‌اند؛ نظیر این آیه:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^۲؛

مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد).

و همچنین این آیه که می‌فرماید:

﴿أَلَيْسَ لِمَنْ عَمِلَ غَمْلٌ مُّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾^۳؛

[و فرمود: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما هم‌نوعید، و از جنس یکدیگر.

بنابر اینکه این آیه عام است و مخصوص اجر اخروی نیست؛ و ضایع نشدن عمل هر عاملی به این معناست که او مستحق نتیجه عمل خود است.

دسته دوم: آیات مهر النساء است؛ مانند آیه کریمه ذیل:

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾^۴؛

و مهر زنان را [به طور کامل] به عنوان یک بدهی [یا عطیه]، به آنان بپردازید!

و همچنین این آیه کریمه :

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْلَافًا فَظَرًّا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا﴾^۵؛

۱. البته باید توجه شود که این مالکیت، در طول مالکیت خداوند متعال است؛ و مالکیت، تنها از آن خداست، و اینکه اگر شخصی کاری کرد، با اذن الهی است که مالک نتیجه آن می‌شود؛ لذا مالکیت انسان، مالکیت بالعرض است؛ لذا معنای مالکیت انسان، به معنای از بین رفتن مالکیت خداوند نیست. [در این جلسه پیرامون این مطلب و خمس و حق حاکمیت خداوند در جلسه سوالات و جوابی مطرح شد که به از این جهت که در سیر بحث جایی نداشت، به نگارش در نیامد؛ لذا علاقه مندان می‌توانند به صوت جلسه رجوع کنند].

۲. سوره نساء: ۳۲.

۳. آل عمران: ۱۹۵.

۴. سوره نساء: ۴.

۵. همان: ۲۰.

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی [به عنوان مهر] به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟!

دسته سوم: آیات ارث النساء است که دلالت بر این دارد که بانوان مالک ارث نیز می‌شوند - به سهمی که در قرآن کریم بیان شده است-؛ همانند قول خداوند:

﴿وَاللِّسَاءُ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ﴾^۱؛

و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

﴿فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ﴾^۲؛

و اگر برادران و خواهران با هم باشند، [تمام اموال را میان خود تقسیم می‌کنند؛ و] برای هر مذکر، دو برابر سهم مؤنث است.

این بحث اول در حق تملک بانوان بود؛ بعد از اینکه ثابت شد که بانوان مالک می‌شوند، بحث دوم در محدوده اختیارات مالکیتی آنها است که در جلسات بعدی به آنها خواهیم پرداخت ان شاء الله و بحث سوم در فهم تفاوت تملک در مثل سهم ارث و دیه مردان و زنان است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. همان: ۷.

۲. همان: ۱۷۶.